خبرسازان

ترانه‌سرای تایتانیک درگذشت

ویل جنینگز، ترانه‌سرای برنده اسکار برای «قلب من ادامه خواهد داد» و «بالا جایی که تعلق داریم» در ۸۰ سالگی درگذشت. این ترانه‌سرا سال ۲۰۰۶ و تقریباً ۱۰ سال پس از دریافت دومین اسکار خود برای ترانه‌ی مشهور سلین دیون با عنوان «قلب من ادامه خواهد داد»، وارد تالار مشاهیر ترانه‌سرایان شد. به گزارش مهر، او اولین جایزه اسکار خود را در کنار جک نیچه و بافی سنت ماری، برای ترانه فیلم «یک افسر و یک جنتلمن» با عنوان «بالا جایی که تعلق داریم» در سال ۱۹۸۳ برد. همچنین او نخستین‌بار با لالو شیفرین در سال ۱۹۸۱ برای «تنها مردم» از فیلم «مسابقه»، ساخته جوئل اولیانسکی نامزد دریافت اسکار شده بود. این ترانه‌سرا سه جایزه گرمی، دو گلدن گلوب و چندین جایزه‌ی دیگر در کارنامه داشت. جنینگز از سال ۱۹۷۶ کار خود را در هالیوود شروع کرد. او در طول دوران حرفه‌ای غزل‌سرایی خود، با هنرمندان بسیاری از جمله اریک کلاپتون، ویتنی هیوستون، بی‌بی کینگ، ماریا کری، جیمی بافت همکاری کرد.

PRIX RENAUDOT

انتشار فهرست اولیه نامزدهای جایزه رنودو ۲۰۲۴

۱۸ کتاب در دور نخست انتخاب هیئت‌داوران رنودو برای نودوهشتمین دوره اهدای این جایزه، انتخاب شدند. هیئت‌داوران جایزه رنودو، دوروز پس از معرفی نامزدهای جایزه‌ی گنکور، فهرست اولیه‌ی منتخبان خود برای جایزه رنودو را که دربرگیرنده ۱۸ رمان است، رونمایی کرد. در این فهرست شش عنوان مشترک با فهرست اولیه‌ی جایزه گنکور که روز سه‌شنبه انتخاب شدند، جا دارد. فهرست اولیه جایزه رنودو ۲۰۲۴ شامل این کتاب‌هاست: «خواهران و سایر گونه‌های زنده» الیزابت باریه، «روبای جگوار» میگل بونفوا، «سندرم اورنجری» گرگوار بویه، «رویای ماهیگیر» هملی بوم، «قایق ماسائو» آنتوان شوپلین، «حوریس» کامل داوود، «جاکاراندا» گائل فایی، «سمفونی اقیانوس اطلس» هوبرت حداد، «اتفاقی بودن چیز زیبایی است» فیلیپ ژیناد، «زندگی اشباح» پاتریس ژان، «عدن در سحر» کریم کتان، «زندگی بهتر» اتین کرن، «برلین برای آنها» بنجامین دلافورکاد، «قلب»، تیبودمونتیگو، «جنگجویان زمستان» اولیویه‌نوریک، «تو عشق ناخشنود پیشوا هستی» ژان نوئل اورنگو، «کابین» آبل کونتان و «مدوزا» ایزابل سورانت.

جایزه یک دستاورد سینمایی به تورناتوره

جوزپه تورناتوره، کارگردان ایتالیایی از نمایش نسخه فور کی فیلم برنده‌ی جایزه‌ی اسکار و کن «سینما پارادیزو» در جشنواره‌ی فیلم‌های ایتالیایی در هند خبر داد. به نقل از ایسنا، این جشنواره توسط بنیاد میراث فیلم و با همکاری مؤسسه‌ی فرهنگ ایتالیا در بمبئی، با هدف بزرگداشت چهره‌های مطرح سینمای ایتالیا و نمایش آثار کلاسیک بازسازی‌شده دهه‌های گذشته، برگزار می‌شود. تورناتوره با حضور در این جشنواره‌ی تازه‌تاسیس سینمایی، جایزه یک عمر دستاورد سینمایی دریافت خواهد کرد، یک مسترکلاس برای فیلمسازان مشتاق برگزار خواهد کرد و در یک گفت‌وگو با علاقه‌مندان به فیلم و متخصصان صنعت سینما شرکت می‌کند. برنامه این جشنواره شامل مرور آثار تورناتوره از جمله «مالنا» و «انیو» خواهد بود و علاوه بر این نسخه‌ی بازسازی‌شده آثار استادان ایتالیایی از جمله «احساس» از لوکینو ویسکونتی، «زندگی شیرین» نیز به نمایش گذاشته خواهد شد.

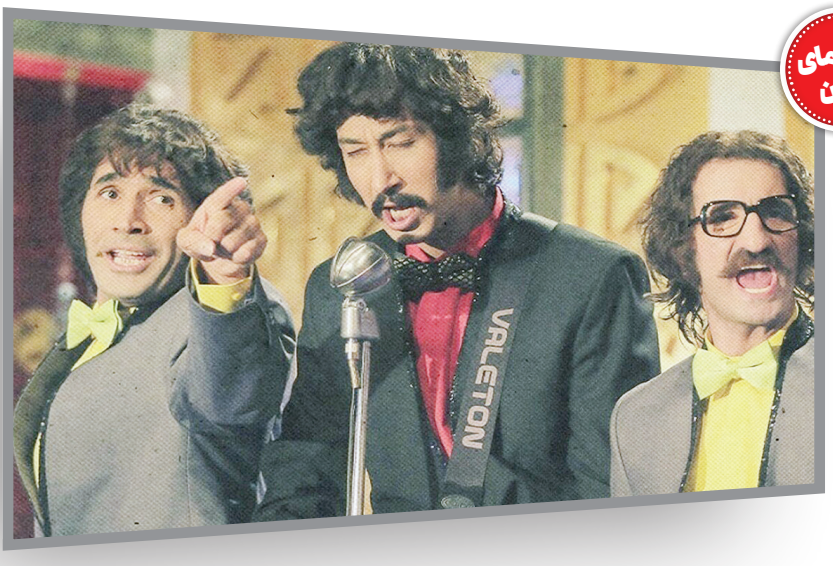

سینمای ایران

فسیل

تنگراس ۳

کیفیت فدای بازار و شهرت می‌شود

گفت‌وگو با حمیدرضا مدقق درباره تولیدات کمدی این روزها که از طنز فاصله گرفته و به لودگی نزدیک شده است

رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

«کمدی» همیشه ژانری پرمخاطب و البته پرمناقشه در سینمای ما بوده است. هم بسیاری از فیلم‌های پرفروش در سینمای ایران به‌نام فیلمی کمدی گره خورده و هم بحث بر سر فاخر و نازل بودن‌شان، مناقشه بر سر کیفیت و ماهیت این ژانر را برانگیخته. در این میان شاهد تولید انواع برنامه‌های غیرنمایشی و سرگرمی‌سازی در شبکه نمایش خانگی هستیم که هم به این مناقشات دامن زده و هم مسائل تازه‌ای را برای تحلیل به پیش کشیده است. برنامه‌هایی از جنس «جوکر» و «گل یا پوچ» و نمونه‌هایی از این دست. به همین بهانه با حمیدرضا مدقق، روزنامه‌نگار، مجری، منتقد سینما و مدرس علوم ارتباطات در این باره به گفت‌وگو نشستیم تا ابعاد متنوع این مقوله را مورد بحث قرار دهیم. مدقق کتابی هم با عنوان «تحلیل ژانر سینمایی کمدی رمانتیک ایران» دارد که خواندن آن را به علاقه‌مندان سینمای ایران توصیه می‌کنیم.

شما کتابی درباره ژانر کمدی رمانتیک در سینمای ایران نوشتید که گرچه یک گونه از کمدی را بررسی می‌کند اما همین نشان می‌دهد که احتمالاً بین این ساب ژانر و جامعه و فرهنگ ایرانی یک نسبتی دیدید. آیا می‌توان گفت ژانر یک فرم صرف زیبایی‌شناختی نیست که همه‌جا از یک نوع تاثیرگذاری برخوردار باشد، بلکه متاثر از فرهنگ آن جامعه مصرف می‌شود؟

اتفاقاً این موضوع در مبانی نظری همین کتاب هم مطرح شده است. من می‌خواهم ارجاع دهم به کتاب معروف «ششلول‌بندها و جامعه» که اولین کتاب شناخته‌شده در آمریکا با موضوع ژانر و رویکرد جامعه‌شناختی است. این کتاب ژانر وسترن یا همان ششلول‌بندها را با تغییرات اجتماعی و سیاسی در جامعه آمریکا تطبیق می‌دهد و بررسی می‌کند که چطور ژانر وسترن به موازات تحولات اجتماعی و سیاسی، دستخوش تغییر می‌شود. چون موضوع بحث ما درباره کمدی است به این اشاره کنم که یکی از بحث‌هایی که درباره سینمای کمدی ایران گفته می‌شود این است که مثلاً مردم ایران چون تحت‌تاثیر مشکلات اقتصادی و فشار معیشتی قرار دارند، گرایش آنها به تماشای ژانر کمدی بیشتر است. درواقع نه‌فقط خود این ژانر، فرم و محتوایش که گرایش و میل به آن هم تحت‌تاثیر عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی قرار دارد.

درواقع در اینجا ژانر کمدی، واجد کارکردهای اجتماعی است یا حتی می‌توان گفت کارکرد درمانی پیدا می‌کند؟

همینطور است. درواقع ژانرها را نمی‌توانیم منفک از جامعه و فرهنگ کنیم و صرفاً ذیل یک فرم زیبایی‌شناختی قرار دهیم. ژانر به‌مثابه یک کالای فرهنگی متناسب با ویژگی‌ها و ذائقه‌های فرهنگی هر جامعه‌ای مصرف می‌شود. این درباره ژانرهای غیرکمدی هم صدق می‌کند. مثلاً در جامعه‌ای مثل ما جنگ اتفاق می‌افتد و همین موجب شکل‌گیری و رشد ژانر جنگی می‌شود و مخاطب هم به‌واسطه تجربه این پدیده در زندگی روزمره‌اش به تماشای فیلمی در این ژانر علاقه‌مند می‌شود. یا اساساً این ژانر مورد توجه و حمایت قرار می‌گیرد. به همین دلیل در دهه ۶۰ فیلم «عقاب‌ها» با آن استقبال کم‌نظیر مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد که هنوز هم جزو پرمخاطب‌ترین فیلم‌های ایرانی محسوب می‌شود.

شاید در فهم جامعه‌شناختی گرایش به کمدی یا فروش بالای فیلم‌های کمدی باید از نوعی واکنش معکوس حرف بزنیم. به این معنا که به‌دلیل تراژدی موجود در زیست ایرانی، گرایش به کمدی افزایش یافته است. این یک نوع واکنش به وضعیت موجود است که از دل تراژدی به کمدی پناه می‌برد. از طرف دیگر فیلم‌های تراژیک هم مورد اقبال قرار می‌گیرند چنان‌که در یک دهه اخیر شاهد فروش خوب فیلم‌های اجتماعی بودیم که سویه‌های تراژیک پررنگی دارند و شاید همین تضادها، رفتارشناسی مخاطب ایرانی را نسبت به ژانر پیچیده می‌کند. شاید برای همین است که هنوز ملودرام‌ها در ایران پرطرفدار است.

ببینید باید دو مقوله را از هم جدا کرد. اینکه ژانرها چطور نسبت به رخدادها و تحولات جامعه شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند یک بحث است و اینکه ژانرها چطور مصرف می‌شوند، مقوله‌ای دیگر. از این حیث باید گفت مخاطب ایرانی یک ژانر مصرفی نیست که فقط کمدی را بپسندد و تماشا کند. ژانرهای دیگر هم در سبد مصرف سینمایی مردم قرار دارد. یکی از دلایل اینکه مصرف ژانر کمدی در ایران بیشتر است، برای این است که ژانرهای دیگر غنای تولیدی چندانی ندارند، مثلاً در ژانر وحشت یا فیلمی تولید نمی‌شود یا فیلم ارزشمندی تولید نمی‌شود. همچنان که ژانر پلیسی و جنایی یا ژانر علمی و تخیلی یا نداریم، یا آثار ضعیفی در این ژانرها تولید می‌شوند. اگر تولید شوند، ژانرهای دیگر هم با گیشه پررونق مواجه می‌شوند. شاید کسی انتظار نداشت که مثلاً فیلم «مست عشق» که کمدی هم نیست، با اقبال مخاطب همراه شود اما الان جزو سومین یا چهارمین فیلم پرفروش امسال است. با شما موافقم که مردم ما به ملودرام‌های خانوادگی علاقه دارند و کمدی-رومانتیک در میان ساب ژانرهای این‌گونه به همین دلیل در کشور ما با استقبال مواجه می‌شود. حتی کسی فکر نمی‌کرد فیلمی روشنفکری مثل «هامون» در سال ۶۸ یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های آن سال شود. درام‌های اجتماعی در یک‌دهه اخیر هم همینطور. شاید فراتر از ژانر باید از فیلم خوب به‌مثابه معیار فروش حرف بزنیم. هر فیلم خوش‌ساختی فارغ از ژانرش، قابلیت فروش و استقبال دارد. اما میانگین این فیلم‌های پرفروش را که لحاظ کنیم، ژانر کمدی در صدر قرار می‌گیرد و همین موجب می‌شود که درباره آن بیاندیشیم و دلایل اجتماعی و فرهنگی آن را تحلیل کنیم. البته باید به چرخه تولید هم توجه کرد. سهم تولید فیلم‌های کمدی هم بیشتر بوده است و بالطبع با فروش بیشتری هم مواجه می‌شود.

این گرایش موازی به ژانر کمدی و درام‌های اجتماعی، واجد سطحی دیگر از یک پارادوکس هم است. به این معنا که درام‌های اجتماعی اغلب رویکردی رئالیستی و واقع‌گرا دارند و کمدی‌ها، اغلب رویکردی فانتزی. این همگرایی به رئالیسم و فانتزی هم یکی از مؤلفه‌های مخاطب‌شناسی ژانری در ایران است.

یک نظریه‌ای در حوزه فرهنگ و هنر وجود دارد که می‌گوید ما زمانی در این ساحت شاهد رونق و شکوفایی هستیم که مردم خیال‌شان از مسائل اقتصادی و معیشتی راحت باشد. کمترینش این است که خرید بلیت سینما و سینما رفتن، به یک هزینه گزاف یا اضافه تبدیل نشود. اما این لزوماً به این معنا نیست که مصرف کمدی صرفاً محصول تراژدی زیستن یا مصائب اجتماعی است. کمدی گرچه شوخی می‌کند اما یکی از جدی‌ترین و مهمترین ژانرهای سینمایی است که هم با سرگرمی، هم با آگاهی گره می‌خورد. ما لزوماً نباید در برابر کمدی گارد بگیریم و به‌صرف کمدی‌بودن گمان کنیم اثر بد یا نازلی است.

کمدی‌های سال‌های اخیر از لحاظ زیبایی‌شناسی و ارزش سینمایی نسبت به مثلاً آثار دهه ۶۰ شاید ضعیف‌تر باشند، اما کارکردهای مثبت اجتماعی هم داشتند مثل تحرک بخشیدن به گیشه سینما بعد از کرونا. از منظر مطالعات فرهنگی، این آثار نوعی از چانه‌زنی با هژمونی است. یعنی سینمای کمدی یک نوع واکنش به آن چیزی است که هژمونی تحمیل می‌کند و این هژمونی می‌تواند فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و هر چیزی باشد

اساساً ژانر به‌خودی‌خود معیار ضعف و قوت فیلم نیست، بلکه این نوع پردازش ژانر است که آن را ارزشمند یا بی‌ارزش می‌کند.

حالا در ارتباط با مواجهه با کمدی با ارجاع به خصلت‌های فرهنگی و اجتماعی دو نوع نگرش و تحلیل وجود دارد. برخی می‌گویند که آستانه خنده ایرانی‌ها به‌واسطه تجربه تاریخی تراژیکی که داشتند بالاست و به‌راحتی نمی‌خندند. از طرف دیگر اغلب ایرانیان روحیه شوخ‌طبع هم دارند و به نظرم استعداد عجیبی در تولید جوک و لطیفه که امروز رد آن را می‌توان در انبوهی از جوک‌هایی که پیرامون یک اتفاق حتی اتفاق تلخ در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ساخته می‌شود شاهد بود. این دوگانه هم یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که مخاطب‌شناسی کمدی در ایران را پیچیده می‌کند.

راستش من تاکنون پژوهشی علمی در این باره که آستانه خنده ایرانی‌ها چقدر است و به چه میزان دوز کمدی برای خندیدن لازم دارند، ندیدم که بتوان به آن ارجاع داد و به تحلیلی دقیق دست زد. اما در چند تجربه‌ای که از حضور در جشنواره‌های خارجی داشتم، دیدم که تماشاگران خارجی به همان صحنه‌ها و لحظه‌هایی می‌خندیدند که مای مخاطب ایرانی می‌خندیدیم. اما این حرف درست است که ما انواع کمدی به آن شکلی که سینمای جهان وجود داشته در سینمای ما نبوده است. کمدی‌های ما بیشتر مبتنی بوده بر کلام. یعنی بیشتر کمدی یا شوخی‌های کلامی داشتیم. نوع معروف نمایش‌های کمدی ما که روحوضی معروف است، بیشتر مبتنی بر شوخی‌های کلامی است. نمایش کمدی عبدلی و آمیرزا که شمایلی از کمدی روحوضی است، بیشتر متکی بر شوخی‌های کلامی است. یا برگردیم به مرحوم سعدی افشار که نقش سیاه را بازی می‌کرد. اغلب شوخی‌ها، کلامی‌اند. اما مثلاً وقتی کمدی‌های شکسپیر را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم همه کمدی کلامی نیست، بلکه کمدی موقعیت و نمایشی هم در آن وجود دارد یا در سینمای کمدی به‌ویژه در دوران سینمای صامت، شاهد کمدی‌های بصری و موقعیت هستیم که به‌ویژه در آثار چارلی چاپلین شاهدیم. ما شناخته‌شده‌ترین طنزنویس‌مان، عبید زاکانی است که اثرش طنز و لطیفه‌های کلامی است.

البته یک تمایز اینجا وجود دارد که طنز مربوط به حوزه ادبیات است و ژانر کمدی به حوزه نمایش تعلق دارد.

بله. همینطور است. اینکه گفتید هر اتفاقی رخ می‌دهد کلی جوک ساخته می‌شود، اغلب آنها حتی اگر تصویری و ویدئویی باشند، بازهم ریشه کلامی دارند. سینمای کمدی ما هم مبتنی بر شوخی‌های کلامی و زبانی است. به همین دلیل اثر ممتاز ما در سینمای کمدی، می‌شود «اجاره‌نشین‌ها» که اتفاقاً کلامی نیست و به همین دلیل هم یگانه و منحصربه‌فرد است. یک کمدی، موقعیت خوبی است که چند پله بالاتر از آثار دیگر در سینمای کمدی ما قرار می‌گیرد. کمترین میزان شوخی کلامی در «اجاره‌نشین‌ها» وجود دارد و بیشتر از همه، با کمدی موقعیت مواجه هستیم که یکی از بی‌نظیرترین آنها همان سکانس خراب‌شدن دیوار، موقع ریش‌زدن اکبر عبدی است یا منفجر شدن او، هنگام تلفن زدن. یک اثر دیگر که به‌نظرم خیلی گمنام باقی مانده، اولین کمدی بعد از انقلاب است به اسم «خانه آقای حقدوست»، به کارگردانی محمود سمیعی که فکر کنم یکی، دو بار از تلویزیون پخش شد و بعد به‌دلیل مسئله حجاب پخش نشد. این فیلم هم مبتنی بر کمدی موقعیت بود و اصلاً کلام نداشت. شخصیتی که خود سمیعی بازی می‌کرد، برگرفته از شخصیت چاپلین بود.